



ORIGINAL RESEARCH ARTICLE

Investigating conversation style in Anvari's poem

S. Samira Seyed Khoshkbijari

Department of Persian Language and Literature, Dashtestan Branch, Islamic Azad University, Dashtestan, Iran.

ARTICLE INFO

Article History:

Received: 05 July 2020
Reviewed: 07 August 2020
Revised: 18 August 2020
Accepted: 07 October 2020

KEYWORDS

Debate, Anvari, Conversation, Stanza, 6th century poem.

*Corresponding Author

✉ Samirabijari22@gmail.com

☎ (+98 77) 34249121

ABSTRACT




BACKGROUND AND OBJECTIVES: conversation and debate are among the main methods used by poets and authors to express what is in their mind. In this study, we aim to investigate conversations in Anvari's poems (30 poems: 28 stanzas and 2 odes). The quantity of these conversations is relatively low compared to other poems of Anvari, but they still are remarkable.

METHODOLOGY: in this study, data are collected in library and then, they are analyzed qualitatively based on content analysis method. All anvari's conversations are considered in terms of type of poetry, subject, purpose, content, model, structure, tone and the speakers/parties. In selecting conversations, in some cases, we just considered the very verses containing conversation, and the research is mainly focused on number of such verses, not all verses in poetry; however, in stanzas, the conversations are often taken into account in the whole poem.

FINDINGS: in most of these conversations, one of the parties is human being and sometimes the other party is Anvari himself; in such cases, he usually wins the debate. Of these 30 poems about 13 conversations have socio-moral subject and the rest (14 cases) are versified either to eulogize someone or express complaint about life, or that they have theme of boasting, humor and joke or satire which are classified in lyric literature.

CONCLUSION: some original debates of Anvari are of great importance and have been accepted by other poets who lived after him and lasted forever.

DOI: [10.22034/bahareadab.2022.14.5342](https://doi.org/10.22034/bahareadab.2022.14.5342)

NUMBER OF REFERENCES	NUMBER OF TABLES	NUMBER OF FIGURES
 22	 4	 0

نشریه علمی سبک‌شناسی نظم و نثر فارسی (بهار ادب)

مقاله پژوهشی

بررسی سبک‌گفتگو در شعر انوری

سیده سمیرا سیدخشکبجاری

گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد دشتستان، دانشگاه آزاد اسلامی، دشتستان، ایران.

چکیده:

زمینه و هدف: گفتگو و مناظره از شگردهای طرح بیان اندیشه در بین شاعران و نویسندگان بشمار میرود. در این نوشتار به بررسی گفتگوهای اشعار انوری (سی شعر: بیست‌وهشت قطعه و دو قصیده) پرداخته میشود. کمیت این گفتگوها در برابر اشعار دیگر انوری بسیار کم است، اما با اینحال مناظره‌های قابل توجهی هستند.

روش مطالعه: شیوه گردآوری اطلاعات در این مقاله کتابخانه‌ای و تجزیه و تحلیل داده‌ها براساس شیوه تحلیل محتوا و از نوع کیفی است. در این مقاله تمام گفتگوهای انوری از لحاظ قالب، موضوع، هدف، محتوا، نوع، ساختار، لحن و طرفین گفتگو بررسی شده است. در گزینشها، در چند مورد تنها به ابیات دارای گفتگو پرداخته شده و مدار تحقیق بر تعداد ابیات دارای گفتگو است، نه ابیات کل شعر؛ اما در گفتگوهایی که در قالب قطعه هستند، معمولاً گفتگو در کل شعر لحاظ شده است.

یافته‌ها: در بیشتر این گفتگوها، یکی از طرفین، انسان و گاه خود انوری است؛ در آن دسته گفتگوها که انوری یکی از طرفین است، معمولاً خودش پیروز میدان مناظره میشود. در میان این سی شعر، موضوع حدود شانزده گفتگو، اخلاقی - اجتماعی و سایر موارد (چهارده مورد) یا به قصد مدح سروده شده، یا گله و شکایت شاعر از روزگار، مفاخره، هزل و مطایبه و یا هجو است که از لحاظ نوع ادبی غنایی محسوب میشود.

نتیجه‌گیری: چند مناظره اصیل انوری در خور اعتناست و مورد اقبال شاعران پس از او قرار گرفته و ماندگار شده است.

تاریخ دریافت: ۱۵ تیر ۱۳۹۹
تاریخ داوری: ۱۷ مرداد ۱۳۹۹
تاریخ اصلاح: ۲۸ مرداد ۱۳۹۹
تاریخ پذیرش: ۱۶ مهر ۱۳۹۹

کلمات کلیدی:

مناظره، انوری، گفتگو، قطعه، شعر، قرن ششم.

* نویسنده مسئول:

✉ Samirabijari22@gmail.com

☎ ۳۴۲۴۹۱۲۱ (۷۷ ۹۸+)

مقدمه

«گفتگو» همواره بعنوان یکی از شگردهای ادبی، در خدمت تأثیرگذاری متن بر مخاطب بوده است. گفتگو عبور از مرحله خودبینی، یک‌جانبه‌نگری و جزم‌اندیشی و نماینده درک حضور دیگری، مدارا و تحمل، تساهل و درنهایت نیل به آزادی و دموکراسی است. پایه گفتگو، مشارکت، هم‌زبانی و فهم زبان یکدیگر است. گفتگو ممکن است درددل با خود یا دیگری باشد و اهداف متفاوتی را دنبال کند. اما گفتگوها در بیان غیرمستقیم مفاهیم، ارزش بلاغی بسیاری دارند و بعلت مفهوم داشتن، همواره حاوی فواید تربیتی نیز بوده‌اند؛ آنجا که گفتار صریح کار ناممکنی است، بخصوص در امر آموزش، این شیوه در تعلیم و ثبات آن در ذهن مناسبتر است. همانطور که بهترین شیوه تبلیغات دینی، نشر معارف و حقایق حکمی و اخلاقی، مناظره بوده است، مناظره یا پرسش و پاسخ میتواند در کلیه روشهای تدریس و فعالیتهای آموزشی بمثابة «فن» بکار رود (بررسی ساختار و محتوای مناظره‌های پروین اعتصامی، سیدالماسی: ص ۱۷۴). این شگرد در میان نویسندگان و شاعران از دیرباز مطمح نظر بوده است. در این میان، انوری نیز از کسانی است که روش گفتگو و انواع آن را بعنوان شیوه‌ای برای طرح مفهوم بکار گرفته است. در این مقاله تمام انواع گفتگوهای انوری مورد بررسی و پژوهش قرار گرفته‌اند. با توجه به اینکه انوری شاعری مشهور در نوآوری و پیشگامی در سبک مناظره است، ساختار و اشکال گوناگون مناظره در دیوان وی به چه اشکال و شیوه‌هایی نمود یافته‌اند؟

شیوه گردآوری اطلاعات در این مقاله کتابخانه‌ای و تجزیه و تحلیل داده‌ها براساس شیوه تحلیل محتوا و از نوع کیفی است. در این مقاله تمام گفتگوهای انوری از لحاظ قالب، موضوع، هدف، محتوا، نوع، ساختار، لحن و طرفین گفتگو بررسی شده است. در گزینشها، در چند مورد تنها به ابیات دارای گفتگو پرداخته شده و بنابراین ابیات پیش یا پس از آن، که ارتباطی به گفتگو نداشته، لحاظ نشده است (مانند قصیده ۷۷، ج ۱: ص ۱۸۷)؛ بنابراین منظور از حجم گفتگو، در این چند مورد، تعداد ابیات گفتگو است، نه ابیات شعر؛ اما در گفتگوهایی که در قالب قطعه هستند، معمولاً گفتگو در کل شعر لحاظ شده است.

ضرورت و سابقه پژوهش

با وجود پژوهشهایی که بصورت پایان‌نامه و مقاله در خصوص «گفتگو» و «مناظره» نگارش یافته، تاکنون اثری در زمینه گفتگوها و مناظرات انوری نوشته نشده است؛ بنابراین در این مقاله برای نخستین بار است که دیوان انوری، از نظر گفتگو، بررسی میشود. برخی پژوهشهای مرتبط با موضوع این مقاله، بدین شرح است:

۱. پایان‌نامه «بررسی ساختار و محتوای مناظره‌های پروین اعتصامی»، سیدالماسی، دانشگاه رازی، ۱۳۸۹.
۲. پایان‌نامه «مناظره و سیر آن در ادب فارسی از آغاز تا روزگار ما»، شاهینی، کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد تهران مرکزی، ۱۳۷۹.
۳. «بارقه‌هایی از سبک مناظره در ادبیات فارسی ایران (نظم)»، ذاکری و صمصامی (۱۳۹۰).
۴. «ارتباط کلامی در شعر کهن فارسی»، شریف‌نسب (۱۳۹۰).
۵. «هنر مناظره در غزل سعدی»، نظری (۱۳۹۶).

بحث و بررسی

گفتگو در جامعه، نمودی از آزادیهای فکری و اجتماعی و وجود دموکراسی است و یکی از راههای پرورش فکر را

«مباحثه و مناظره» گفته‌اند؛ اما چگونگی گفتگو و طرح آن خود نماینده وجود یا عدم آزادی بیان و اندیشه در جامعه می‌تواند باشد. همچنانکه گاه گفتگوها صریح است و گاه پوشیده. ممکن است مناظرات از زبان حیوانات و اشیا و یا با طنزی کنایی همراه شوند. همچنین مناظره رسمیت‌ترین روش بحث و استدلال است که از قدیم مرسوم بوده و امروز هم با نظم و ترتیب خاصی مرسوم است که تابع قواعد معینی است و نباید با مناظره اشتباه شود. مناظره یکی از ابزارهای مهمی است که برای پرورش فکر و قوه ناطقه و تقویت نیروی اراده و ایمان، از قدیم‌ترین ایام تا این زمان بکار برده شده و هر قومی بشکلی در این میدان گام نهاده است.

در سراسر متون ادبی هر زبانی (چه نظم و چه نثر)، نمودهای گوناگونی از گفتگو دیده می‌شود. در ادب ایران زمین، قدیم‌ترین مناظره موجود، «منظومه درخت آسوریک» به زبان پهلوی است و نیز پس از آن در ادبیات فارسی، ابداع فن مناظره را به اسدی توسی نسبت داده‌اند. گفتگو را در ادب فارسی، بطور عام (گویا به اعتبار هدف)، می‌توانیم شامل چهار نوع مکالمه یا دیالوگ، دیالکتیک یا جدل، مناظره و سؤال و جواب بدانیم.

مکالمه یا دیالوگ

مناظره به بازی پینگ‌پنگ می‌ماند؛ یعنی اشخاص عقاید و نظریات خود را بسوی هم پرتاب می‌کنند و منظور از آن برنده شدن یا کسب امتیاز است، اما در مکالمه طرفین بدنبال برنده شدن نیستند. هر کس برنده شود، به این معنی است که همه برنده شده‌اند، زیرا هدف از آن پیش بردن بحث و گاهی فقط ایجاد همدلی است (۱)، درباره دیالوگ، بوهیم: ص ۳۲)؛ بنابراین در مکالمه، کلام بر اساس عقلانیت و منطق پیش می‌رود و در نتیجه به حل مسئله می‌انجامد.

مناظره

در تمام کتابهای بلاغی و فرهنگهای ادبی موجود تعاریف مشابه، گاه با اندک تفاوتی، از «مناظره» آمده است. بنظر میرسد راغب اصفهانی تعریفی جامع و مانع از مناظره در لغت بدست داده است: مناظره، گفتگوی رودرروی و نبرد نظری با سخن و خطابه است، اما مناظره در اصطلاح ادبی و تعریف شعری، به یک نوع ادبی اطلاق می‌شود و در تعریف آن چنین آمده است: شعر یا نثری است که در آن دو چیز یا دو کس در مقابل هم قرار می‌گیرند و بر سر موضوعی بحث و گفتگو می‌کنند تا سرانجام یکی بر دیگری غالب آید و نتیجه دلخواه و از پیش معلوم گرفته شود. معمولاً هدف شاعر یا نویسنده از مقابله و مباحثه دو عنصر مخالف، اثبات نظریه‌ای فلسفی یا نتیجه‌ای اخلاقی است. مباحثه‌کنندگان یا انسانند یا از زمره اشیا و جانوران و مفاهیم انتزاعی (مثل روح و لذت) که در قالب شخصیت‌های انسانی قرار می‌گیرند و گاه هر کدام مظهر عقیده یا طرز فکری می‌شوند (دانشنامه ادب فارسی، ج ۱، ذیل مناظره). مناظره اشعاری است که شاعر در آنها دو چیز یا دو کس را در برابر هم قرار می‌دهد تا با یکدیگر بر سر موضوعی گفتگو نمایند (انواع ادبی و آثار آن در زبان فارسی، رستگار فسائی: ص ۱۶۳) و یا از جهاتی خود را بر حریف رجحان نهند، آنگاه در پایان شعر یکی را بر دیگری غالب می‌گرداند و نتیجه‌ای را که می‌خواهد می‌گیرد (شعر و ادب فارسی، مؤتمن: ص ۲۴۲).

شمیسا ژرف‌ساخت مناظره را مانند مفاخره، حماسه میدانند؛ زیرا در آن میان دو کس یا دو چیز بر سر برتری و فضیلت خود بر دیگری، نزاع و اختلاف لفظی درمیگردد و هر یک با استدلالی خود را بر دیگری ترجیح مینهد و سرانجام یکی مغلوب یا مجاب می‌شود (انواع ادبی، شمیسا: ص ۲۳۰). در مناظره هر طرف سعی میکند با دلیل و

برهان نظر خود را بر دیگری اثبات کند (همان: ص ۷۳). مناظره اعلام نظر شخصی است با تأکید بر نادرستی نظر طرف مقابل و هدف اصلی در مناظره منکوب کردن حریف و غلبه بر اوست (مکالمه شب و روز، ایران‌زاده: ص ۹). مناظره‌های ادبی سخن‌گفتن شخصیتها به زبان حال است، در این مناظره‌ها معمولاً دو یا چند شخصیت خیالی، خواه حیوان و نبات، خواه اشیای بیجان یا مفاهیم محض، با یکدیگر مجادله و منازعه میکنند (زبان حال در عرفان و ادبیات پارسی، پورجوادی: صص ۲۹-۳۲). در هر مناظره سرانجام باید یکی از طرفین به پیروزی برسد و این پیروزی نصیب طرفی میشود که شاعر حامی اوست (ارتباط کلامی در شعر کهن فارسی، شریف‌نسب: ص ۷۷).

به این اعتبار، نوعی از گفتگو «مناظره» است که در آن هدف برتری یکی از طرفین در مجادله کلامی بر دیگری است. این مجادله کلامی گاه ممکن است منطقی باشد و گاه غیرمنطقی، ممکن است برخی از مناظرات ادبی که هدف متفاوتی دارد، دارای مبانی منطقی نباشد؛ معمولاً در شیوه‌های طنزآمیز یا حسن‌تعلیلی اینگونه گفت‌ووشنودها بچشم میخورد. آنچه در این پژوهش مطمح نظر است، گفتگو و مناظرات ادبی است؛ بنابراین با مناظره در مفهوم عام آن و مناظرات منطقی سروکاری نداریم.

مناظره در ادبیات تاریخچه‌ای درازدامن دارد که نخستین نمونه آن در ادبیات فارسی، به «منظومه درخت آسوریک» بازمیگردد. در ادبیات سایر ملل نیز آثاری بسیار کهن در این زمینه یافته شده است. سابقه مناظره‌نویسی در جهان به تمدنهای بابلی و اکادی و سومری در بین‌النهرین میرسد (زبان حال در عرفان و ادبیات پارسی، پورجوادی: ص ۳۲). در ادبیات فارسی، پایه‌گذار مناظره را اسدی طوسی و به‌اوج‌رساننده این شگرد را پروین اعتصامی، شاعر معاصر میدانند. اسدی طوسی بجای آغاز کردن قصیده با تغزل و تشبیب، آنها را با مناظره اشیا و عناصری از قبیل شب و روز، زمین و آسمان، نیزه و کمان، مغ و مسلمان شروع کرده و پس از آن به مدح اشخاص موردنظر خود پرداخته است. علاوه بر اسدی، شاعران دیگری از جمله امیر معزی (متوفی ۵۱۸ق) نیز همین شیوه را در بعضی از قصیده‌های مدحی خود بکار برده‌اند (واژه‌نامه هنر شاعری، میرصادقی: صص ۲۹۵-۲۹۷). اما شاعران، هرکدام بنوبه خویش در این زمینه طبع‌آزماییهایی کرده‌اند و از آنجاکه مناظره با شیوه تمثیل و قالب قطعه پیوند خورده است، شاعران بسیاری، آثارشان مملو از مناظره است؛ عنصری، ناصر خسرو، ابن‌یمین، نظامی، سنایی، عطار، مولانا و ... مناظراتی درخور اعتنا دارند. یکی از این شاعران که مناظرات وی، مقصود بررسی این مقاله است، «انوری»، شاعر قرن ششم هجری، است.

طبقه‌بندی گفتگوها از منظرهای گوناگون

تقسیم‌بندی‌هایی که تاکنون درباره مناظره رواج و کاربرد داشته است، دیدگاههای متفاوتی را در برمیگیرد و از نظرگاه‌های مختلفی قابل بررسی است؛ بر این اساس تنوع مناظره‌ها را از دیدگاه‌های زیر واکاویده‌اند:

۱. از دیدگاه شکل و قالب: قصیده، غزل، مثنوی، قطعه، رباعی (نقل قول)، چهارپاره و ...
۲. از نظر طرفین مناظره: طرفین جاندار (انسان یا حیوان)، بیجان (نبات یا اشیا) و یا مفاهیم انتزاعی.
۳. از دیدگاه انواع ادبی: حماسی، غنایی، حکمی و تعلیمی، نمایشی.
۴. با توجه به روش و ساختار: استدلالی، تمثیلی، مفاخره و ...

در ساختار استدلالی، یا با مناظره‌هایی مواجهیم که عناصر تشکیل‌دهنده آن، جز طرفین مناظره، شخص سومی بعنوان داور است، مانند مناظره آسمان و زمین از اسدی که در آن زمان بقصد صلح و وفا وارد میشود و یا مناظره‌هایی که از سه بخش تشکیل شده‌اند: وضع، نقیض و داوری یا نتیجه. در بخش نخست (وضع)، یکی از

- طرفین مناظره از خود سخن میگوید و میلافد و یا شکایت یا ملامت میکند. در قسمت دوم (نقیض)، طرف مقابل به طرح جواب و رد آن معنی، بیان راه حل و یا دفاع از خود میپردازد. قسمت سوم (داوری یا نتیجه)، استنتاج خود شاعر است که به تناسب مقام، شامل نکات اخلاقی و اجتماعی و اندیشه‌های حکمی است که احیاناً به درازا کشیده میشوند (این شیوه، شیوه مناظره‌های پروین اعتصامی است) (چشمه روشن، یوسفی: صص ۴۱۳-۴۲۴).
۵. از دیدگاه موضوع: اظهار پشیمانی، نکوهش خودبینی، گفتگوی عاشقانه و ...
۶. با در نظر گرفتن لحن: طنز، تحقیر، توبیخ، تمسخر، گلایه‌آمیزی و ...
۷. با توجه به هدف: اطلاع‌رسانی، مجاب کردن، تحقیر و تمسخر، محکوم و رد کردن، نکوهش، رازگشایی و ...
۸. با در نظر گرفتن نتیجه: مغلوب یا مجاب شدن یک طرف، درک حقیقت، رد پیشنهاد و ...
۹. از دیدگاه ذکر یا حذف «گفتم و گفتا»، گاهی نیز ممکن است مکالمه بصورت پرسش کلامی و پاسخ رفتاری باشد.
۱۰. از دیدگاه حجم: یک مصراع یا یک بیت و گاه بسیار مشروح و مستدل (اطناب/ ایجاز/ پرسش کوتاه و پاسخ بلند) (بررسی ساختار و محتوای مناظره‌های پروین اعتصامی، سید الماسی: صص ۱۳ و ۱۴).
- البته یکی دیگر از تقسیم‌بندیهای رایج، از نظر کاربرد آرایه‌های ادبی است که در این مقاله مورد توجه قرار نگرفته است.

سؤال و جواب

سؤال و جواب آن است که قصیده یا غزلی را بصورت پرسش و پاسخ یا پیغام و جواب بگویند (فنون بلاغت و صناعات ادبی، همایی: ص ۳۱۰). این پرسش و پاسخها فقط وقتی جنبه هنری مییابد که جوابها جنبه ادبی داشته باشد؛ یعنی بدیع و غیرمنتظره و رندانه باشد (بدیع از دیدگاه زیبایی‌شناسی، وحیدیان کامیار: صص ۱۵۶-۱۵۷). هر مناظره‌ای میتواند همراه با سؤال و جواب باشد، اما هر سؤال و جوابی مناظره نیست. مناظره میتواند میان انسانها، حیوانات، اشیا و مفاهیم انتزاعی باشد، اگرچه در بیشتر کتب بلاغی اخیر گفته‌اند در صنعت سؤال و جواب، طرفین لزوماً دو انسان هستند، اما در برخی کتب بدیع نیز برای سؤال و جواب مثالهایی آورده‌اند که طرفین انسان نیستند:

دوش نسیم سحر حلقه همیزد به در / گفتم هان کیست گفت قاصدی‌ام آشنا (قطوف الربیع: ص ۶۴)

سنبله با یاسمن گفت سلام علیک / گفت علیک السلام در چمن آی ای فتا (عروسان سخن، اسفندیارپور: ص ۲۷۹)

در سؤال و جواب معمولاً، مصراعهای فرد بصورت سؤال و مصراعهای زوج بصورت جواب بنظم درآمده است؛ اما در مناظره ممکن است پاسخ طولانیتر باشد. پرسش و پاسخ بیشتر در قالبهای غزل، رباعی و قصیده (در تغزل قصاید) بکار میرفت، اما مناظره در هر قالبی ممکن است پدید آید. مضامین پرسش و پاسخ غنایی است، ولی مناظره در تمام مضامین، اعم از سیاسی، اجتماعی، اخلاقی و غنایی بکار رفته است. پرسش و پاسخ یک آرایه درونی، اما مناظره یک نوع ادبی است. در پرسش و پاسخ پرسنده مجاب نمیشود و دربرگیرنده نتیجه خاص منطقی نیست، اما مناظره نتیجه‌گیری اخلاقی و مانند آن دارد. در صنعت سؤال و جواب، این پرسش و پاسخها چندان جدی و رسمی نیست و واقعاً قصد شاعر از تنظیم آنها گرفتن یک سلسله نتایج قطعی نیست، بلکه جنبه صنعت‌پردازی و تفنن و طیبیت دارد و در ردیف صنایع و محسنات شعری بشمار می‌آید (شعر و ادب فارسی، مؤتمن: ص ۲۴۲). در

این صنعت هرگاه نظر یکی از طرفین مخالف رای و نظر دیگری باشد، آن را صنعت مناظره دانند (فرهنگ بلاغی و ادبی رادفر: ص ۶۵۳).

در سنت شعر پارسی، عموماً سؤال و جواب میان عاشق و معشوق روی میدهد و روال آنها بر پایه نیاز عاشق و ناز معشوق بنا نهاده شده است. در سؤال و جواب عموماً خواسته پرسشگر برآورده یا پرسش او پاسخ داده نمیشود و بحث به نتیجه منطقی نمی‌انجامد (ارتباط کلامی در شعر کهن فارسی، شریف‌نسب: صص ۷۵ و ۷۶).

دیالکتیک یا جدل

دیالکتیک در زمینه‌ای کاملاً عقلانی و منطقی شکل میگیرد و در ادبیات نمود چندانی ندارد و بیشتر در منطق کاربرد دارد. جدل در لغت به معنای خصومت، نزاع، ستیزه و داوری است. در منطق، علم جدل علمی است که با آن اصول شرایط و کیفیات مناظره شناخته میشوند. در جدل معمولاً مقصود این است که بطلان عقیده فردی را با استناد به معتقدات خود او معلوم سازیم. یکی از نمونه‌های بارز جدل مکالمات سقراطی است. در قرآن احتجاج‌های حضرت ابراهیم هم از نوع جدل است که در آنها عقیده مخالفان توحید نقض میشود (انعام: ۷۶-۷۸)؛ (مناظره و سیر آن در ادب فارسی از آغاز تا روزگار ما، شاهینی: ص ۱۰).

عنوان این مقاله از آن جهت مناظره در شعر انوری نام نگرفت، که تمام گفتگوهای انوری از نوع مناظره نیستند و غلبه با گفتگو و مکالمه است؛ بنابراین جدل و سؤال و جواب در دیوان انوری دیده نمیشود.

تجزیه و تحلیل گفتگو در شعر انوری

در دو جلد دیوان انوری، ده گفتگو وجود دارد که میتوان عنوان مناظره بر آن نهاد؛ باوجوداین انوری در این موارد صاحب سبک است و بخوبی از عهده آن برآمده است؛ برخی از این مناظره‌ها که بعدها مورد تقلید شاعران مناظره‌سرا چون پروین اعتصامی قرار گرفته، اکنون بسیار معروف است (قطعه ۴۰، ۵۲۸)؛ بنابراین اگرچه تعداد مناظره‌ها و گفتگوهای انوری اندک است، بلحاظ کیفی و توانایی شاعر در کاربرد این نوع، درخور و قابل اعتناست.

موارد بدست داده‌شده، از میان قطعات و قصاید انوری است؛ در میان غزلیات مناظره دیده نمیشود؛ اگرچه کمابیش در برخی غزلیات یک یا دو بیت که ناظر بر مکالمه و گفتگو یا سؤال و جواب باشد، ملاحظه میشود، اما رنگ کمتری دارد و چون تنها در تک‌بیت‌هایی شکل میگیرد، از گنجاندن آن در این مقاله اجتناب شد. اشعار حاوی گفتگو یا مناظره مورد بررسی در این مقاله که شامل دو قصیده و مابقی قطعه است، عبارتند از:

دیوان، ج ۱؛ قصیده ۷۷: ص ۱۸۸؛ قصیده ۲۲: ص ۵۴؛ و ج ۲؛ قطعات به شماره‌های: ۱۶، ص ۵۱۸؛ ۴۰، ص ۵۲۸؛ ۴۷، ص ۵۳۱ و ۵۳۲؛ ۵۵، ص ۵۳۴؛ ۶۰، ص ۵۳۸؛ ۶۴، ص ۵۴۱ و ۵۴۲؛ ۷۶، ص ۵۴۸؛ ۸۰، ص ۵۵۰؛ ۹۳، ص ۵۶۱؛ ۹۴، ص ۵۶۱ و ۵۶۲؛ ۱۰۲، ص ۵۶۵؛ ۱۰۳، ص ۵۶۵؛ ۱۱۵، ص ۵۷۱ و ۵۷۲؛ ۱۳۲، ص ۵۷۸ و ۵۷۹؛ ۱۳۳، ص ۵۷۹؛ ۲۱۹، ص ۶۲۲؛ ۲۵۹، ص ۶۴۵ و ۶۴۶؛ ۲۶۱، ص ۶۴۶؛ ۳۱۹، ص ۶۶۹؛ ۳۲۳، ص ۶۷۱ و ۶۷۲؛ ۳۶۷، ص ۶۹۴؛ ۳۸۴، ص ۷۰۱؛ ۴۴۸، ص ۷۳۴؛ ۴۵۰، ص ۷۳۷؛ ۴۷۶؛ ۴۸۷؛ ۷۵۱؛ ۴۸۷؛ ۷۵۹؛ ۴۹۰، ص ۷۶۰؛ ۴۹۴، ص ۱۰۴۶.

نیز در میان قصاید دیگر و غزلیات، گفتگوهای محدود دیگری که به مراتب کمرنگتر هستند و از این نظر چندان درخور اعتنا به نظر نمیرسد، دیده میشود که در این مقاله از بررسی آنها چشمپوشی شد.

قالبها

بیشتر گفتگو-مناظرات انوری در قالب قطعه است، از مجموع حدود ۳۰ گفتگوی قابل اعتنا و بررسی در دیوان انوری، ۲۸ مورد قطعه و دو مورد قصیده دیده میشود.

جدول شماره یک: تفکیک قالبهای گفتگو - مناظره

نوع	کل مناظرات	قطعات	قصاید
تعداد	۳۰	۲۸	۲
درصد	۱۰۰	۹۳/۳ درصد	۶/۷ درصد

شخصیتها (طرفین مناظره): انسان با انسان، انسان با حیوان، حیوان با حیوان، مفاهیم انتزاعی با هم،

انسان با شیء

در این ۳۰ گفتگو-مناظره، ۱۷ مورد مناظره انسان با انسان، چهار مورد مناظره مفاهیم انتزاعی با هم، چهار مورد مناظره انسان با اشیا یا مفاهیم انتزاعی، چهار مورد مناظره انسان با حیوان، چهار مورد مناظره گیاه با گیاه و یک مورد مناظره حیوان با حیوان دیده میشود. این موارد به تفکیک عبارتند از:

انسان با انسان شامل: ۱. گفتگوی انوری با نجم قوآل؛ ۲. انوری و صفی موفق سبعی؛ ۳. انوری با خواجه‌صالح؛ ۴. انوری با عاشقک؛ ۵. انوری با مرد کناس؛ ۶. انوری با دیگران؛ ۷. انوری با پیمبر؛ ۸. انوری با صفی‌الدین موفق؛ ۹. انوری با معروف بلخی؛ ۱۰. انوری و دوستی؛ ۱۱. پسر و پدر؛ ۱۲. پیرزن لال با شاگرد حصیری؛ ۱۳. منعم و پیر دهقان؛ ۱۴. رگزن و شاه؛ ۱۵. خواجه و خوش‌مرد؛ ۱۶. زیرک و ابله؛ ۱۷. انوری و دوستی.

انسان با حیوان شامل: ۱. انوری با اسب پیر، ۲. انوری با گوسفند.

حیوان با حیوان شامل: روباه با روباه.

گیاه با گیاه: ۱. چنار و کدوبن، ۲. گل سرخ و سرو سهی.

مفاهیم انتزاعی با هم: ۱. آز و نیاز و مکرمت و قدر، ۲. رای شاه با تقدیر، ۳. دیده و تارک و ...، ۴. دل و جهان.

انسان با اشیا یا مفاهیم انتزاعی: ۱. انوری با فلک، ۲. انوری با چرخ، ۳. حسود و کرم، ۴. انوری و آسمان.

جدول شماره دو: تفکیک طرفین گفتگو-مناظره

طرفین مناظره	انسان با انسان	مفاهیم انتزاعی با هم	گیاه با گیاه	حیوان با حیوان	انسان با شیء	انسان با حیوان
تعداد	۱۷	۴	۲	۱	۴	۲
درصد	۵۶/۶ درصد	۱۳/۳ درصد	۶/۶ درصد	۳/۳ درصد	۱۳/۳ درصد	۶/۶ درصد

محتوا

بیشتر گفتگو-مناظرات انوری، طنزی اجتماعی را دربردارد و یا مطایبه‌ای دوستانه است و گاه مفهومی حکمی و نقدی اجتماعی را دربردارد؛ بیشتر گفتگو-مناظرات انوری، گفت‌ووشنودهایی است که لحن طنزآلود در آن دیده می‌شود. در دیوان انوری مناظرات حماسی و مفاخراتی، و عرفانی دیده نمی‌شود. اکثر گفتگوها در زمینه مطایبه و هجو و هزل، و یا نقد اخلاقی و اجتماعی مردم زمانه خویش است. البته لحن مفاخره در برخی از مناظرات وی رخ مینماید که با خودستایی وی سازگار است؛ اما بنظر میرسد این مقوله بیشتر یک رفتار اجتماعی-اخلاقی است. از طرفی تمام موضوعات و محتوای مناظرات انوری که با نام اخلاقی از آن یاد میشود، موضوعاتی غنایی هستند؛ بنابراین میتوان بطور کلی محتوای مناظرات انوری را اخلاقی-غنایی دانست؛ هرچند گاه مناظره در قالب حکایت و تمثیل با چاشنی طنز را از انواع حکمی و تعلیمی شمرده‌اند (بارقه‌هایی از سبک مناظره در ادبیات فارسی ایران، ذاکری و صمصامی: ص ۹۵).

از کل گفتگوهای بدست‌آمده از دیوان انوری، ۱۳ شعر اخلاقی-اجتماعی و ۱۷ شعر دیگر غنایی یعنی شامل مدح، جوابگویی، هجو، گله و شکایت، هزل و مطایبه و مفاخره و ... است.

روش یا ساختار

در این بخش به تفکیک، ساختمان گفتگو-مناظره‌های انوری مورد بررسی قرار می‌گیرد. در دیوان انوری ساختار کلی گفتگوها، به چند دسته تقسیم میشوند:

مناظرات: گفتگوهایی هستند که از ساختار مناظره بهره‌مندند و میان دو طرف مجادله کلامی ردّ و بدل میشود. گاه رنگ این مجادله کمتر است و پرسشی به تقابل پاسخ داده میشود؛ این مناظرات عبارتند از: چنار و کدوبن، گل و سرو، انوری و اسب پیر، زیرک و ابله، رگزن مسیح‌پرست و شاه، انوری و خواجه‌صلاح، منعم و پیر دهقان، انوری و نجم‌قوال، حسود و کرم، دوستی و انوری.

گفتگوها

این نوع گفتگوها در اشعار بررسی‌شده دیوان انوری به سه دسته قابل تقسیم هستند:

الف) گفتگوهایی که مکالمات عادی هستند؛ در این گفتگوها میان دو تن پرسشی مطرح شده و پاسخی گرفته میشود:

دو روبه، انوری و کنّاس، انوری و گوسفند، انوری و عاشقک، پدر و پسر، انوری و معروف بلخی، انوری و پیمبر، انوری و صفی موفق، انوری و چرخ، پیرزن لال و شاگرد حصیری، خواجه و خوش‌مرد، انوری و دوستی، انوری و دیگران، انوری و جهان، انوری و آسمان.

ب) گفتگوهایی که در آن پرسشی میان دو طرف مطرح میشود و شخص سومی پاسخ میدهد که در کل مبنایی منطقی ندارد و هدف از آن مدح ممدوح است؛ مثلاً در قطعه‌آز و نیاز و مکرمت، از طرح پرسش میکند، نیاز پاسخ میدهد، مکرمت داوری میکند. این گفتگو سه شخص دارد و علاوه‌بر طرفین، داوری حضور دارد که مداخله کرده و پاسخ میدهد؛ بنابراین از لحاظ ساختار با موارد دیگر متفاوت است.

ج) گفتگوی جمعی (همولوگ) که مبنای منطقی ندارد و معمولاً هدف از آن مدح ممدوح و شبه‌مناظره است؛ زیرا هرکدام از افراد حاضر در این گفتگو حرف دیگری را نقض میکنند. نکته‌حائز اهمیت در این مورد تعدد شخصیتها

در گفتگوست؛ برای نمونه گفتگوی جمعی رأی و تقدیر و قدر و چرخ‌نهم و انوری و خاک بارگاه و دیده و تارک و عقل و انوری و عالم و خرد و عشق است. ساختار بیشتر این گفتگوها به نحوی است که پرسشی مطرح و پاسخی داده میشود و معمولاً آخرین پاسخ، نتیجه گفتگو یا مناظره است؛ این الگو تقریباً در تمام گفتگوها رعایت میشود.

جدول شماره سه: انواع گفتگوها

انواع گفتگوها	مناظرات	گفتگوهای دونفره	دو نفر + شخص سوم	گفتگوهای جمعی	تعداد کل
تعداد	۱۰	۱۷	۱	۲	۳۰
درصد	۳۳/۳ درصد	۵۶/۶ درصد	۳/۳ درصد	۶/۶ درصد	۱۰۰ درصد

موضوع، لحن، هدف و نتیجه

گفتگوی انوری با مردک کناس (درباره شغل و کار و مواجهشان)، موضوع اجتماعی و حکمی، نقد پایگاه شاعران در محیط اجتماعی، یکی از مهمترین درونمایه‌های شعر انوری است. در این قطعه انوری کار کناس را از پیشه خود، یعنی شاعری بهتر میداند؛ زیرا از بند تقاضا رسته است، اما انوری که کارفرمایش حاکمان و پادشاهانند، مجبور است به خفت و خواری تن دهد و از حرفه خود، احساس غبن کند.

گفتگوی پیرزن لال با شاگرد حصیری: در این قطعه طنز اجتماعی دیده میشود؛ زیرا لال بودن پیرزن باعث شده شاگرد حصیری او را تمسخر کند. این گفتگو هنر انوری را در شخصیت‌پردازی و تصویرگری مینمایاند. موضوع خرید حصیر در تابستان است که لکنت پیرزن در ادای سخن، دستمایه ساخت این مناظره شده و لحن طنز است. در قطعه دیگر، چنانکه از نام آن پیداست، «در مذمت اهل سوق بازار» و نیرنگ و زرق در کارشان است. پسری از پدر خویش پرسشی میکند و پاسخی میگیرد. این گفتگو نیز نقدی اجتماعی بر پیشه بازاریان است که در آن صداقت و راستگویی کمتر جایی دارد و پدر، پسر را از تفحص در این زمینه باز میدارد و کار بازار را مزرعه تخم فساد میداند؛ لحن در این قطعه جدی است.

در قطعه‌ای که با نام «شکایت از اهل زمان» نامگذاری شده نیز، دو روباه با هم گفت‌وگو دارند. این تمثیل نیز که بنمایه طنز دارد، نقد اجتماعی آدمیان زمانه انوری و طبقه حاکم است. در این قطعه روباه از ترس جان خویش میدود، زیرا که سلطان قرار است خرها را بگیرد و روباه میترسد که او نیز گرفته شود و استدلالش این است که آدمیان قوه تمیز ندارند و خر را از روباه نمیشناسند. این مضمون دستمایه پرسش و پاسخ دو روباه است.

قطعه چنار و کدوبن، که بیشک الگوی پروین اعتصامی در سرودن مناظره‌هایش بوده و شبیه‌ترین مناظره به قطعات پروین اعتصامی است، گفتگوی دو گیاه (چنار و کدوبن) با هم است و در واقع اصیلترین مناظره انوری و تنها مناظره‌ای است که در دیوان با نام مناظره ضبط شده است. این تمثیل با لحنی جدی موضوعی حکمی را مطرح میکند و با تقابل درخت چنار و کدو که در کنار هم رسته‌اند، پایداری و مردی را نشان میدهد که به رشد چندروزه نیست، بلکه به استقامت در برابر حوادث است.

در قصیده ۷۷ انوری که در مدح قتلغشاه است، شاهد گفت‌وگوشنود دو گیاه (گل سرخ و سروسپهی) با هم هستیم. در تشبیب این قصیده مناظره‌ای شکل گرفته که هدف از آن تنها رسیدن به بیت تخلص و مدح ممدوح است و بار

ارزشی چندانی ندارد، سرو سهی به گل سرخ میگوید: تو چند روز است که به باغ آمده‌ای و نیامده راهی بازار شده‌ای و من سالهاست که در باغ ساکنم و جایی نرفته‌ام و گل پاسخ میدهد که من در کل سال در یک ماه آن هم یک هفته به دنیا می‌آیم، انتظار داری آن یک هفته را هم در پس پرده بمانم و یک جا بنشینم؟ من برای دیدن شاه است که به شهر رفته‌ام و همین مضمون، باعث ایجاد این مناظره است.

در قطعه دیگری گفتگوی کوتاهی میان شاعر با فلک دیده میشود. شاعر در چند بیت شکایتی از دهر و فلک میکند، اما فلک چنین پاسخ میدهد که اگر تو از متاع دنیوی بیبهره‌ای، فضل و پایگاه تو از گنج قارون و مملکت خاقان بیش است.

در قصیده دیگری در مدح پیروزشاه، شاهد گفتگوی دو مفهوم انتزاعی با هم هستیم: رای شاه با تقدیر و قدر او با فلک نهم، همچنین گفتگوی انوری با خاک راه ممدوح نقل میشود و همه این تصاویر و گفت‌ووشنودها در خدمت مدح ممدوح و نمایاندن پایگاه بلند و ارج پیروزشاه است. این گفتگوها در تشبیب قصیده، ابزاری برای رسیدن به تخلص و بالا بردن ممدوح است. لحن جدی است و مفهوم و هدف خاصی را دنبال نمیکند، جزاینکه همه چیز در دنیا، مملوک و خدمتکار ممدوح است.

در قطعه کوتاه دیگری شاعر با زبانی گزنده و طنزآلود به هجو خواجه‌صلاح نامی میپردازد. در گفتگوی شاعر با این خواجه، شاعر بطعنه به خواجه میگوید که آن دو خلقتان (خرقه و لباس زهد و پارساییت) از آن تو نیست و یا صلاح و درست نیست و در استدلال میگوید که اگر چنین بود، هر روز قلتبانی سر از گریبان تو بیرون نمی‌آورد و در واقع غیرمستقیم وی را دشنام داده است. لحن طنز و هدف اصلاح اجتماعی و موضوع نقد تزویر و ریا در رفتار آدمی ظاهرالصلاح است.

در قطعه دیگری شاهد مناظره شاعر با اسب پیری هستیم. این اسب را گویا به شاعر صله داده‌اند و شاعر این صله نامقبول و ناخوشایند و ممسکانه را نقد و نکوهش میکند و غیرمستقیم به رخ ممدوح میکشد. انوری به طنز و کنایه نام اسب را اعمار اسبان و شیخ ابوعامر میگذارد و او را یادگار کشتی نوح پیغمبر میداند، از او قصه نیاکان و پیامبران و پیشینیان را میپرسد، اسب در خشم میشود و میگوید که تو خودت پیری و تو نخستین جانوری هستی که ایزد آفریده است.

گفتگوی کوتاه دیگری در دو بیت در قطعه‌ای میان شخص منعم و پیر دهقانی نقل شده، با لحنی جدی و در موضوع شکرگزاری و قناعت. منعم بر پیر دهقان که پاره‌ای نان میخورد، ابراز ترحم میکند، اما دهقان پاسخ میدهد که لذتهای ما را پادشاهان ندارند.

قطعه دیگر حاوی گفتگوی انوری با عاشقکی است که قصه شعر گفتنش را جویا میشود؛ انوری پاسخ میدهد که از مدح و غزل و هجا هر سه دست بیفشانده‌ام، زیرا وقتی این سه را میگفتم که گرفتار شهوت و حرص و غضب بودم و چون این سه خوی ناپسند را رها کردم، لاجرم لب از سرایش غزل و مدح و هجا فروبسته‌ام. در پایان نیز انوری با خویش سخن میگوید که لاف زدن کار مردان نیست و اکنون که لاف زدی، مردانه بر سر آن باش. لحن جدی است و موضوع و هدف آن بیان عزلت‌گزیدن و قناعت‌پیشگی شاعر و پاسخ به پرسنده است.

قطعه دیگر در وصف بزرگی و کرم خواجه ترمذ است. در این قطعه انوری با معروفی از بلخ گفتگو میکند و این معروف بلخی از انوری میپرسد که از این سه تنی که به نیکی شهره‌اند، کدامیک بهتر است و انوری خواجه ترمذ را بهتر از دیگران میداند و میخواند. این گفتگو هم پرسش و پاسخ است و چون اکثر پرسش و پاسخهای دیگر، به نفع انوری تمام میشود، لحن جدی و هدف این قطعه کوتاه نیز مدح خواجه ترمذ است.

قطعه کوتاه دیگر گفتگوی انوری با دیگرانی مجهول و عامه مردم است حاوی پرسش از انوری و پاسخ وی به دیگران. از انوری میپرسند که حاصل تو از زندگی بیحاصل چیست؟ میگوید: خطکی و بیتکی چند، چنین و چنان البته و حسب حالی است، همانطور که گفته و به نوعی مدح خویشتن و بیان منزلت خویش. لحن تاحدودی طنزآمیز است.

در قطعه دیگری که گفتگویی است میان انوری و دوستی، این دوست از انوری میپرسد که چرا نزد وی نمیروید و انوری پاسخ میدهد که از بی ستوری و او میگوید که چرا از من درخواست نمیکنی که بارگیری بدهم و انوری پاسخ میدهد که من از ناکسان چیزی نمیخواهم و پاسخی دندان‌شکن و مسکت میدهد. موضوع این قطعه قناعت و خویشنداری است و انوری خود را در آن ستوده و لحن آن جدی بوده و درنهایت انوری است که حرف آخر را میزند.

گفتگوی دیگری که در پایان دیوان انوری دیده میشود و بعنوان قطعه آمده است، مناظره رگزن و شاه است که لحنی طنزآلود دارد. در این مناظره غرض تنها ایجاد تصویر هنری و تفنن و طیب خاطر است. رگزن رگ دست شاه را میزند و شاه زنخدا را او را بدست میگیرد و بوسه بر لبش میدهد و وقتی رگزن اعتراض میکند، شاه به طریق حسن تعلیل پاسخ میدهد که شرط است وقت رگ زدن، گوی سیمین در دست گرفتن.

قطعه کوتاه بعدی که هزل است، گفت‌وشنود خواجه‌ای با خوش‌مردی است، درباره زن خوب. آن مرد خوش میگوید: خوشا به حال کسی که زن خوبش بمیرد و تو زن خوب داری. خواجه میگوید: بله، اگر بمیرد خوبست. زن فقط شایسته آن است که اگر بر سر چاهش ببری، در چاه بیفتد و کسی هم او را نجات ندهد و زن را به مار تشبیه میکند. لحن در این قطعه نیز طنزآمیز و دربردارنده تحقیر و هجو زن است.

قطعه دیگری که بحق یکی از عالیترین نمونه‌های مناظره در دیوان انوری است و پروین اعتصامی مناظره مشهور خود را به تأثیر از آن سروده، قطعه‌ای با لحن جدی و دردآلود و گزنده، انتقادی از طبقه حاکم و ستم‌اغیا بر فقر است. در این قطعه طرفین گفتگو (زیرک و ابله) درباره والی شهر سخن میگویند. زیرک والی شهر را گدایی بیحیا میخواند، ابله میگوید: او که یک تکمه کلاهش روزی صدها نفر از ماست، چگونه گداست؟ زیرک توضیح میدهد که آن در و مروارید اشک اطفال من و خون یتیمان شماست. او که یکسره از ما خواهندگی میکند، گداست. چه عشر خواستن و چه خراج خواستن هر دو گدایی و کدیه است، حال خواهنده قارون باشد یا سلیمان. ساخت این مناظره، ساخت متداول مناظرات پروین اعتصامی است.

جالب اینکه انوری که در قطعه پیشین کدیه را محکوم کرده و ناپسند شمرده، در قطعه بعدی گفتگویی میان خود و گوسپند شکل میدهد تا از مخدومش طلب جو کند و گوسپند او را رهنمون میشود که اگر جو نداری، در کدیه و خواهندگی که باز است، از فلانی بخواه؛ لحن تا حدودی طنزآلود و هدف گفت‌وشنود طلبکاری و خواهندگی از ممدوح است؛ این قطعه، نمونه شایان توجهی از صنعت حسن طلب است.

قطعه کوتاه دیگری که در مطایبه سروده شده و نقدی به فعل مقریان بدخوان و بدصداست که سعدی هم پس از انوری این طایفه را نکوهش کرده، حاوی گفت‌وشنود انوری با پیمبر است که او را آزرده میبیند و علت را جویا میشود و پیامبر میگوید: از دست این مقریک ناراحتم که آنچه میخواند با آنچه به من وحی شده، مطابقت ندارد و با لحن طنز انوری در این قطعه به نقد اجتماعی دست زده است.

در قطعه بعدی نیز طرفین گفتگو، انوری و صفی موفق سبعی هستند. با لحن طنزآلود در مطایبه و درواقع طلب و درخواست هیزم و خر و زر.

در قطعه دیگری که در مدح بوالحسن عمرانی در حبس است، در دو بیت میان آز و نیاز و مکرمت پرسش و پاسخی درمیگیرد. این بوالحسن، که شاعر او را به سخاوتمندی میستاید، در دوران حبسش آز و نیاز از هم میپرسند که چرا دور زمانه معکوس است و مکرمت پاسخ میدهد: زیرا کریم زمانه محبوس است.

در قطعه کوتاه دیگری باز شاهد گفتگوی انوری با نجم قوال نامی هستیم که با لحن طنزآلود و گزنده در مطایبه و هجو سروده شده است. در بیشتر این گفتگوها که معمولاً بصورت پرسش و پاسخ است، همه چیز به نفع انوری خاتمه مییابد و حرف آخر را اوست که میزند.

در قطعه دیگری که در مطایبه سروده شده، انوری در دو بیت آخر با چرخ به گفتگو مینشیند؛ پس از شکوه از روزگار، انوری نام آسایش را میبرد، چرخ میگوید: از این تمنا سیرم و وقتی انوری میپرسد چرا؟ چرخ پاسخی از روی تحقیر و تمسخر و هجو و ناسزا به انوری میدهد.

در قطعه دیگری صفی‌الدین موفق به انوری هیزمی وعده کرده بوده و انوری غلام خود را به طلب آن فرستاده بوده و چون به وعده وفا نکرده، انوری این قطعه را در هجو او سروده است. این مناظره گفتگوی انوری با صفی‌الدین است. لحن این قطعه‌ها طنز و هجوآلود است.

در قطعه ۶۴، نیز چندین نفر با هدف مدح ممدوح سخنی میرانند و هر یکی ممدوح را به چیزی بالاتر از آن دیگری میخواند. در این الگو، اشخاص گفتگو چندان اهمیتی ندارند و هدف تنها ارج پایگاه ممدوح است.

در قطعه کوتاه دیگری، حسود و کرم درباره بهاء‌الدین علی با هم تقابل دارند و هدف، مدح بهاء‌الدین علی است. در قطعه دیگری که درباره صبر است، دوستی انوری را به صبر میخواند، اما انوری از فوت وقت و فرصت سخن میراند. این مورد نیز گفت‌وشنودی دوستانه است.

در قطعه دیگری جهان و دل درباره سدید فقیهی با هم سخن میگویند و هدف مدح سدید فقیهی است.

و نهایتاً در قطعه دیگری نیز انوری با آسمان، بمنظور مدح ابوالمفاخر آبی گفتگو میکند. در این گفتگو آسمان (و درحقیقت شاعر) پایگاه ممدوح را تا جایی بالا میبرد که او را اصل آفرینش میدانند.

جدول شماره چهار: اهداف و موضوع گفتگو

کل تعداد	اجتماعی-اخلاقی			مفاخره و شکایت		مدح و تقاضا		هجو و هزل و مطایبه		هدف گفتگوها
	حکمت اخلاقی	نقد یا طنز اخلاقی	نقد یا طنز اجتماعی	گله و شکایت	مفاخره	تقاضا و طلب	مدح	هجو و هزل	مطایبه و شوخی	
۳۰	۳	۵	۵	۲	۱	۲	۸	۳	۱	تعداد
۱۰۰	۱۰	۱۶/۶	۱۶/۶	۶/۶	۳/۳	۶/۶	۲۶/۶	۱۰	۳/۳	درصد
	درصد ۴۳			درصد ۱۰		درصد ۳۳/۲		درصد ۱۳/۳		درصد کل

از نظر کاربرد «گفتم و گفتا» (عناصر گفتگو) و حجم گفتگوها

از نظر کاربرد افعال «گفتم و گفتا» تقریباً تمام گفتگو-مناظرات بررسی شده دارای این خصیصه‌اند و موردی که به شیوه داستان‌گویی و بدون ذکر «گفتم و گفتا» باشد، دیده نشد. از حیث حجم، میتوان گفت انوری جانبدار ایجاز است و معمولاً گفتگوها و مناظراتی کوتاه دارد:

کناس: ۱۱ بیت؛ پیرزن لال: ۹ بیت؛ اهل سوق: ۶ بیت؛ روبهی: ۶ بیت؛ کدوبن: ۵ بیت؛ گل سرخ: ۹ بیت؛ انوری و فلک: ۴ بیت؛ رای و تقدیر: ۱۲ بیت؛ خواجه‌صلاح: ۳ بیت؛ اسب پیر: ۱۳ بیت؛ پیر دهقان: ۲ بیت؛ عاشقک: ۱۰ بیت؛ صاحب ترمذ: ۷ بیت؛ حسب حال: ۳ بیت؛ قناعت: ۵ بیت؛ رگزن مسیح‌پرست: ۸ بیت؛ زن خوب: ۴ بیت؛ زیرک و ابله: ۷ بیت؛ انوری و گوسفند: ۱۱ بیت؛ انوری با پیمبر: ۴ بیت؛ موفق صبعی: ۵ بیت؛ آز و نیاز: ۷ بیت؛ نجم‌قوال: ۳ بیت؛ انوری با چرخ: ۶ بیت؛ انوری با صفی موفق: ۲؛ ۱۰ بیت؛ انوری و آسمان: ۱۰ بیت؛ حسود و جهان: ۲ بیت؛ دوستی و انوری (۲۳): ۳ بیت؛ دل و جهان: ۲ بیت؛ انوری و آسمان: ۴ بیت و بطور کلی میانگین تعداد ابیات ۶ است.

نتیجه‌گیری

در این مقاله، گفتگو-مناظره‌های دیوان اشعار حکیم انوری ابیوردی از لحاظ قالبها، شخصیتها (طرفین)، محتوا، روش و ساختار، موضوع، لحن، هدف و نتیجه و همچنین کاربرد افعال «گفتم و گفتا» مورد بررسی قرار گرفت. دستاورد پژوهش ناظر بر موارد زیر است:

در دیوان انوری با صنعت سؤال و جواب، بر مبنای تعریف ارائه‌شده (که مبنایی ادبی دارد و قصد پاسخگویی در میان نیست و بین دو انسان و معمولاً عاشق و معشوق درمیگیرد)، سروکاری نداریم و هرچه دیده میشود، یا گفتگوست یا مناظره و ساختار کلی گفتگوها به چند دسته قابل تقسیم است:

۱. گفتگوهایی که از ساختار مناظره بهره‌مند هستند و میان دو طرف مجادله کلامی رخ میدهد؛ گاه رنگ این مجادله کمتر است و پرسشی به تقابل پاسخ داده میشود: چنار و کدوبن، گل و سرو، انوری و اسب پیر، زیرک و ابله، رگزن مسیح‌پرست و شاه، انوری و خواجه‌صلاح، منعم و پیر دهقان، انوری و نجم‌قوال، حسود و کرم، دوستی و انوری (شماره ۲).

۲. گفتگوهایی که مکالماتی عادی هستند:

میان دو تن پرسشی مطرح میشود و پاسخی گرفته میشود: دو روبه، انوری و کناس، انوری و گوسفند، انوری و عاشقک، پدر و پسر، انوری و معروف بلخی، انوری و پیمبر، انوری و صفی موفق، انوری و چوخ، پیرزن لال و شاگرد حصیری، خواجه و خوش‌مرد، انوری و دوستی (شماره ۱)، انوری و دیگران، انوری و جهان، انوری و آسمان. پرسشی میان دو طرف مطرح میشود و شخص سومی پاسخ میدهد که در کل مبنایی منطقی ندارد و هدف از آن مدح ممدوح است: قطعات آز و نیاز و مکرمت.

گفتگویی جمعی (همولوگ) که مبنای منطقی ندارد و معمولاً هدف از آن مدح ممدوح و شبه‌مناظره است، زیرا هر کدام حرف دیگری را نقض میکنند؛ نکته حائز اهمیت تعدد شخصیتها در این گفتگوهاست: رای و تقدیر و قدر و چرخ نهم و انوری و خاک بارگاه، دیده و تارک و عقل و انوری و عالم و خرد و عشق.

در جلد ۱، در قصاید: ۶۹ در مدح امیرکبیر مودود احمد عصمی صص ۱۵۹ و ۱۶۰؛ قصیده ۷۱، مدح صاحب سعید جلال‌الوزرا عمر بن مخلص، صص ۱۶۶ و ۱۶۷؛ در قصیده ۷۵، در تهنیت عید و مدح ناصرالدین ابوالفتح طاهر، صص ۱۷۸ و ۱۷۹؛ قصیده ۱۲۴، در صفت افلاک و بروج و مدح صاحب ناصرالدین، صص ۳۱۵؛ در قصیده ۱۴۷، مدح فخرالسادات مجدالدین ابوطالب نعمه، صص ۳۷۸؛ قصیده ۱۴۹، جواب انوری به فخرالدین، صص ۳۸۴؛ قصیده ۱۶۵، مدح فیروزشاه و رفتن به ترمذ و ...، صص ۴۱۶ و ۴۱۷؛ در قصیده ۱۳۰، صص ۳۳۴ و ۳۳۵؛ در قصیده ۱۳۱، صص ۳۳۵ و ۳۳۷؛ در قصیده ۲۰۳، در مدح عزیزالدین طغرایبی، صص ۵۰۲ تا ۵۰۰ و ... نیز در ج ۲، در غزل‌های شماره: ۹، صص ۷۶۹؛

۷۲، ص ۸۰۴؛ ۱۵۴، ص ۸۵۲؛ ۲۰۹، ص ۸۸۱؛ ۲۱۰، ص ۸۸۲؛ ۲۱۴، ص ۸۸۴؛ ۲۷۷، ص ۹۱۷؛ ۳۱۹، ص ۹۴۱؛ رباعیات: ۴۰، ص ۹۵۴؛ ۸۲، ص ۹۶۳؛ ۲۰۲، ص ۹۸۸؛ ۲۱۴ و ۲۱۶، ص ۹۹۱؛ ۳۳۲، ص ۱۰۱۶؛ ۴۱۱، ص ۱۰۳۴؛ ۴۱۸، ص ۱۰۳۶؛ ۴۳۹، ص ۱۰۴۱؛ ۴۴۲، ص ۱۰۴۲ نیز گفت‌وشنودهایی دیده میشود؛ اما از آنجاکه این گفتگوها کوتاهند یا چندان به قوت نیستند، از بررسی آنها صرف نظر شد. بنابراین حدود ده مورد مناظره و سایر موارد گفتگویند. در حدود ۵۷ درصد گفتگوها طرفین گفتگو هر دو انسانند و در بیست درصد نیز یکی از طرفین انسان است. در شانزده مورد (۵۳ درصد) نیز یکی از طرفین انوری است. غالب این گفتگوها در قالب قطعه سروده شده‌اند و با لحن طنز همراهند. هدف سیزده مورد (۴۳ درصد) گفتگوها اخلاقی-اجتماعی و هفده مورد دیگر (۵۷ درصد) به قصدهای دیگری چون مدح و تقاضا و شکایت و ... سروده شده‌اند؛ بنابراین میتوان گفت بیشتر این گفتگوها به انگیزه‌های شخصی و فردی انوری سروده شده و سایر موارد دربردارنده مضامین اخلاقی اجتماعی هستند؛ انوری از گفتگو و مناظره بعنوان شگردی ادبی جهت طنزپردازی و تأثیر بیشتر بر مخاطب سود جسته است و در کل میتوان گفت از این میان، مناظره‌های اجتماعی-اخلاقی، نمونه‌های عالیتری از این شگرد در دیوان انوری بشمار میروند.

تعارض منافع

نویسندگان این مقاله گواهی مینمایند که این اثر در هیچ نشریه داخلی و خارجی به چاپ نرسیده و حاصل فعالیتهای پژوهشی تمامی نویسندگان است، و ایشان نسبت به انتشار آن آگاهی و رضایت دارند. این تحقیق طبق کلیه قوانین و مقررات اخلاقی اجرا شده و هیچ تخلف و تقلبی صورت نگرفته است. مسئولیت گزارش تعارض احتمالی منافع و حامیان مالی پژوهش به عهده نویسنده مسئول است، و ایشان مسئولیت کلیه موارد ذکر شده را بر عهده میگیرند.

REFERENCE

Holy Quran

- Anousheh, H and others. (2002). Encyclopedia of Persian Literature (v2), Tehran: Ministry of Islamic Culture and Guidance pub.
- Anvari, O. (1961). Collection of poems, by M.T Modarres razavi, Tehran: Corporation of translation and publiciton.
- Bohm, D. (2002). about Dialogue, edit by lee Nicole, translate by M.ali Hosseinnezhad, Tehran: Dialogue of civilization cultural research org, p.32.
- Esfandiarpour, H. (2004). Brides of converse, Tehran: Ferdows, p.279.
- Gharib, M. h. (2010). Ghotouf ol Rabi'Fi sonouf al badi', By M. ghsemi, Tehran: Academy of Persian language and literature.
- Homayi, J. (2012). litrary shapes and aesthetics, 31pub, Tehran: Homa, p.310.
- IranZadeh, N. (2009). Night and day dialogue, *knowledge Quarterly*, Iran and Pakistan research center, p.9.
- Mir Sadeghi, M. (2009). Dictionary of poetics, 3th edit, 4th pub, Ketabe Mahnaz, pp.295-297.
- Mo'tamen, Z. (1985). Persian poem and literature, 2end pub, Tehran: Zarrin, p.242.

- Nazari, N. (2017). Sa'adi's debate art, Persian poem and prose stylistics, 10 (3), pp.281-296.
- Pourjavadi, N. (2006). Transitory state dialogue in Persian mysticism and literature, Tehran: Hermes, pp.29-32.
- Radfar, A. (1989). literary Dictionary/ V1, Tehran: Etellaat, p.653.
- Ragheb Esfahani. (2010). Mofradat/ v5, translate by H.khoda parast, Qom: Navide eslam.
- Rastgar fasae, M. (2006). literary types in Persian literature, 5th pub, Mashahd: Ferdowsi university pub, p.163.
- Seyed almasi, p. (2010). Study of parvin Etesami's poet structure and content, Kermanshah: Razi university, pp.13-14, 174.
- Shahini, H. (2000). The story of Debate genre in Persian literature, M A thesis, Azad University, Tehran, p. 10.
- Shamisa, S. (2010). Literary Types, 4th edit, Mitra, pp.230,73.
- Sharifnasab, M. (2011). Verbal Communication in old Persian poem. *Kohan Nameh*, 2 (2), pp.71-88.
- Vahidian kamyar, T. (2003). astatic of badi', Tehran: samt, pp.156-157.
- Yousefi, Gh. (2000). Bright spring (Meet poets), 9th pub, Tehran: Elmi, pp.413-424.
- Zakeri, A and Samsami, M. (2011). Sparks of Dialogue genre in Persian literature (poet), *Persian poem and prose stylistics*, 4 (2), pp.91-110.

فهرست منابع فارسی

قرآن کریم

- ارتباط کلامی در شعر کهن فارسی، شریف‌نسب، مریم (۱۳۹۰)، کهن‌نامه، (۲) ۲، صص ۷۱-۸۸.
- انواع ادبی و آثار آن در زبان فارسی، رستگار فسایی، منصور (۱۳۸۵)، چاپ پنجم، مشهد: انتشارات دانشگاه فردوسی.
- انواع ادبی، شمیسا، سیروس (۱۳۸۹)، ویرایش چهارم، چاپ چهارم، تهران: میترا.
- بارقه‌هایی از سبک مناظره در ادبیات فارسی ایران (نظم)، ذاکری، احمد و صمصامی، مریم (۱۳۹۰)، سبک‌شناسی نظم و نثر فارسی، (۲) ۴، صص ۹۱-۱۱۰.
- بدیع از دیدگاه زیبایی‌شناسی، وحیدیان کامیار، تقی (۱۳۸۳)، تهران: سمت.
- بررسی ساختار و محتوای مناظره‌های پروین اعتصامی، سیدالماسی، پروین (۱۳۸۹)، کرمانشاه: انتشارات دانشگاه رازی.
- چشمه روشن، یوسفی، غلامحسین (۱۳۷۹)، (دیداری با شاعران)، چاپ نهم، تهران: علمی.
- دانشنامه ادب فارسی، انوشه، حسن و همکاران، (۱۳۸۱)، ج ۲، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- درباره دیالوگ، بوهیم، دیوید (۱۳۸۱)، گردآوری و تدوین لی نیکول، ترجمه محمدعلی حسین‌نژاد، تهران: دفتر پژوهش‌های فرهنگی مرکز بین‌المللی گفتگوی تمدن‌ها.
- دیوان اشعار، انوری، اوحدالدین محمد (۱۳۴۰)، به اهتمام محمدتقی مدرس رضوی، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
- زبان حال در عرفان و ادبیات پارسی، پورجوادی، نصرالله (۱۳۸۵)، تهران: هرمس.

شعر و ادب فارسی، مؤتمن، زین‌العابدین (۱۳۶۴)، چاپ دوم، تهران: زرین.
عروسان سخن، اسفندیارپور، هوشمند، (۱۳۸۳)، تهران: فردوس.
فرهنگ بلاغی و ادبی، رادفر، ابوالقاسم (۱۳۶۸) ج ۱، تهران: اطلاعات.
فنون بلاغت و صناعات ادبی، همایی، جلال‌الدین (۱۳۹۱)، چاپ سی‌ویکم، تهران: هما.
قطوف‌الربیع فی صنوف‌البدیع، قریب گرکانی، محمدحسین (۱۳۸۹)، به‌کوشش مرتضی قاسمی، تهران: فرهنگستان
زبان و ادب فارسی.
مفردات، راغب اصفهانی (۱۳۸۹)، ج ۵، ترجمه حسین خداپرست، قم: نوید اسلام.
مکالمه شب و روز، ایران‌زاده، نعمت‌الله، (۱۳۸۸)، فصلنامه دانش، مرکز تحقیقات فارسی ایران و پاکستان، اسلام‌آباد،
شماره ۹، ص ۹.
مناظره و سیر آن در ادب فارسی از آغاز تا روزگار ما، شاهینی، حبیبه (۱۳۷۹)، پایان‌نامه کارشناسی ارشد دانشگاه
آزاد تهران مرکز، ص ۱۰.
واژه‌نامه هنر شاعری، میرصادقی (ذوالقدر)، میمنت (۱۳۸۸)، ویراست سوم، چاپ چهارم، تهران: کتاب مهناز.
هنر مناظره در غزل سعدی، نظری، نجمه (۱۳۹۶)، سبک‌شناسی نظم و نثر فارسی، (۳) ۱۰، صص ۲۸۱-۲۹۶.

معرفی نویسنده

سیده سمیرا سیدخشکبجاری: مربی گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد دهستان، دانشگاه آزاد اسلامی، دهستان، ایران.
(Email: Samirabijari22@gmail.com)

COPYRIGHTS

©2021 The author(s). This is an open access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution (CC BY 4.0), which permits unrestricted use, distribution, and reproduction in any medium, as long as the original authors and source are cited. no permission is required from the authors or the publishers.



Introduction of the author

Seyyede Samira Seyyed Khoshk Bijari: Instructor of Persian Language and Literature Department, Dehestestan Branch, Islamic Azad University, Dashtestan, Iran.
(Email: Samirabijari22@gmail.com)